

در این بخش قصد داریم مروری بر مطالب و نکات درس ششم فلسفه یازدهم یعنی (( امکان شناخت )) داشته باشیم .

امیدواریم مطالب ذکر شده ، شما را در یادگیری بهتر این درس ، یاری دهد .

## درس ششم فلسفه یازدهم

### امکان شناخت

(( مهرشاد ایمانی نسب ))

**معرفت شناسی :** اندیشیدن درباره ی اندیشیدن ، یکی از مهم ترین بخش های فلسفه است که به حقیقت شناخت و توانایی بشر برای شناخت خود و جهان می پردازد که به این بخش ، (( معرفت شناسی )) می گویند .

یکی از ویژگی های انسان ، شناختن است . انسان ابتدا اشیا و پدیده های پیرامون خود را شناسایی می کند و سپس از طریق این شناخت ، با آنها ارتباط برقرار می کند و از آنها استفاده می کند .

### ویژگی های شناخت انسان :

- شناخت انسان محدود به امور محسوس و مادی نیست ؛ بلکه امور نامحسوس مانند روح را هم شامل می شود .
- شناخت انسان به تدریج افزایش می یابد و نه دفعی و ناگهانی . انسان با عمل آموختن و یادگیری در مسیر شناخت پیش می رود ؛ به عنوان مثال ، انسان در ابتدای تولد چیزی نمی داند و گام به گام ( به تدریج ) با پدیده های جهان آشنا می شود .
- شناخت انسان با وجود گستردگی و فراگیری ، همچنان محدود است و نامحدود نیست .
- شناخت انسان خطاپذیر است اما باز هم معتبر است و انسان از آن استفاده می کند . انسان می تواند به خطاهای خود علم پیدا کند که همین دلیلی بر امکان معرفت و شناخت است .
- وجود اختلاف نظرها و باورهای مختلف میان انسان ها ، نشان دهنده امکان خطا در شناخت است .

## دو چیز را جدا کنید :

- ۱- معرفت (شناخت) : معادل (( می دانم ))
- ۲- امکان معرفت (توانایی شناخت) : معادل (( می توانم بدانم ))

معرفت شناسی بخشی از فلسفه است که به پدیده معرفت (شناخت) می پردازد . در گذشته ، معرفت شناسی جزئی از فلسفه بود و در ضمن فلسفه بررسی می شد اما امروزه به دو دلیل : ۱- طرح پرسش های جدید و جدی درباره معرفت ۲- ظهور دیدگاه های مختلف ، این بخش از فلسفه به شاخه مستقلی تبدیل شده که به آن ، (( معرفت شناسی )) یا (( نظریه معرفت )) می گویند .

**\*نکته :** توجه ویژه ی کانت ، فیلسوف قرن ۱۸ آلمان ، به شناخت باعث شد که شاخه ی معرفت شناسی رشد بیشتری کند و فیلسوفان بیشتری به آن بپردازند .

**چیستی معرفت :** معنا و مفهوم معرفت و شناخت ، روشن و بدیهی است و نیازی به تعریف ندارد . اگر ابهامی هم از نظر لغت و کلمه باشد ، با بیان معادلی ، ابهام رفع می شود ؛ به عنوان مثال ، معرفت همان دانستن و آگاهی نسبت به چیزی است .

## امکان معرفت :

امکان معرفت و شناخت ، یک امر بدیهی و روشن است و نیازی به تحقیق و دلیل آوردن ندارد . اگر معرفت و شناخت ممکن نباشد ، انسان هیچ عملی نمی تواند انجام دهد . انسان به صورت طبیعی در امکان معرفت شک نمی کند اما در گذشته و در حال حاضر ، امکان معرفت از سوی برخی افراد مانند سوفیست ها انکار شده است .

سوفیست ها به علت استفاده از مغالطه های مختلف ، به تدریج به این اعتقاد رسیدند که انسان توانایی رسیدن به حقیقت را ندارد و نمی تواند به علمی که مطابق واقعیت است ، برسد . ( انکار امکان معرفت )

یکی از سوفیست ها به نام (( گرگیاس )) می گوید : ۱- چیزی وجود ندارد . ۲- اگر هم چیزی وجود داشته باشد ، برای انسان قابل شناخت نیست . ۳- اگر هم برای انسان قابل شناخت باشد ، انسان نمی تواند آن را به دیگران آموزش و انتقال بدهد .

**\*نکته :** شک در معرفت با شک در امکان معرفت تفاوت دارد . شک در معرفت یعنی شک در دانسته های انسان که امکان پذیر است ؛ چون دانسته های انسان ممکن است صحیح یا غلط باشند . شک در امکان معرفت یعنی شک درباره توانایی انسان برای شناخت امور که امکان پذیر نیست و در واقع همان شکاکیت مطلق است .

شکاکیت مطلق یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته ها ( شک در امکان معرفت ) . شکاکیت مطلق امکان پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد ، دچار تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق سازگار نیست .

انسان از ابتدای زندگی برای شناخت خود و جهان تلاش کرده است ؛ زیرا بشر به طور طبیعی به امکان شناخت خود و پدیده های جهان باور دارد و وجود اشتباه در شناخت خود را به معنای ناتوانی در کسب معرفت نمی داند . پیشرفت دانش بشری ، دلیلی بر توانایی بشر برای رسیدن به معرفت ( امکان معرفت ) است .

### پیشرفت دانش بشر به دو صورت است :

- از طریق حل مجهولات و پی بردن به اطلاعات جدید و ایجاد شاخه های جدید دانش .
- از طریق پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح معلومات آنها .

### نکات تستی :

- دلایل امکان معرفت : ۱- پی بردن انسان به خطاها و اشتباهات خود ۲- پیشرفت دانش بشری
- هم معرفت و هم امکان معرفت ، بدیهی هستند . ( بدیهی : یعنی چیزی که بی نیاز از تعریف و استدلال است . )
- دیدگاه سوفیست ها از جمله گرگیاس ، امکان معرفت را انکار می کند . لذا سوفیست ها دچار شکاکیت مطلق هستند .

### (( تست ))

۱- این عبارت که (( معلوم است که ما از خود و جهان پیرامون ، شناختی داریم )) به کدام یک از حیطه های معرفت شناسی مربوط است ؟

( سراسری ۹۹ )

(۱) ابزارهای شناخت (۲) قلمرو شناخت (۳) ماهیت شناخت (۴) امکان شناخت

پاسخ گزینه ۴ است . شناخت انسان نسبت به خود و جهان پیرامون بیانگر امکان شناخت است .

۲- این واقعیت که (( حقایق فراوانی در عالم هست که آنها را نمی دانیم و نمی شناسیم )) به کدام یک از حیطه های معرفت شناسی مربوط است ؟

( سراسری خارج ۹۹ )

(۱) ابزارهای شناخت (۲) ماهیت شناخت (۳) امکان شناخت (۴) قلمرو شناخت

پاسخ گزینه ۴ است . وقتی درباره اینکه چه چیزهایی را می شناسیم و چه چیزهایی را نمی شناسیم ، صحبت می کنیم ، در واقع درباره حد و مرز و قلمرو شناخت سخن می گوئیم .

(سراسری ۱۴۰۰)

۳- با بیان کدام یک از عبارات های زیر ، فرد دچار تناقض شده است ؟

- ۱) هیچ کس نیست که بتواند آنچه را خودش فهمیده ، به دیگری هم منتقل کند .
- ۲) هیچ کس نیست که بتواند واقعیت داشتن یا واقعیت نداشتن جهان را با علم اثبات کند .
- ۳) هیچ یک از شناخت هایی که تا کنون درباره ساختار جهان به دست آورده ایم ، عین واقعیت نیست .
- ۴) حواس ما کم و بیش دچار خطا می شود ، بنابراین هیچ یک از یافته های حواس قابل اعتماد نیستند .

پاسخ گزینه ۳ است . زیرا گزینه ۳ نمونه و مصداقی برای شکاکیت مطلق است . زمانی دچار تناقض می شویم که بگوییم شناختی وجود ندارد . اگر شناختی وجود ندارد ، پس چگونه به این شناخت رسیدیم که شناختی وجود ندارد؟!

**تهیه کننده : مهرشاد ایمانی نسب**

**سپاس از توجه شما**

